

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من ميباد
بدین بوم ویر زنده یک تن ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

اول می 2013

عشق در ژرفنای سکوت

باز سکوت در لانه دلم خانه کرده و هزاران گلبن تازه و نارس قصه ها و گفتنیها را رو به خاموشی و پژمردگی و نابودی مینگرم. از چه بگویم، از کدام زخم دردناک روان افسرده و پریشانم؟ من به اوراق سپید دلم شفق آتشین عشق را سپردم تا لذت هستی یابم؛ و توانائی مقابله با اهریمن بیرحم غم.

آه! عشق در ژرفنای غروب میرود تا نابود شود. عشق در لجنزار ریا میرود تا از داشتنش احساس عار و ننگ و نیستی کنم. عشق شاخه های خشکیده نهال آرزو گشته است، تا در دامن شعله ها نجوای نیستی سر دهد و با حلقه های تیره دودش زاغان سیاه ابرها مستی کنند. همه آنهایی که خوشباور از جاودانگی لاله زاران عشق هستند، خسته از رنج و عذاب بیدرمان آن، روزی سایه بان سرد تنهایی و سکوت را خواهند جست که دیگر این سکه طلائی، حیات زنگزده و بیمقدار است.

(ناهید "غزل" غنی زاده)